

«بررسی تطبیقی عنصر خاک در اساطیر و هنر ایران باستان»

چکیده

خداوند، عنصر خاک را به عنوان ماده اولیه خلقت انسان (اشرف مخلوقات) و به عنوان نمادی از مرگ و فروپاشی حیات جسمانی مقرر کرده است. در گذشته نیاکان ما به عناصری که توسط زرتشت به عنوان عناصر مقدس (آب، خاک، آتش، باد) معرفی شد، اعتقاد و توجه بسیار داشتند. براساس باورهای اساطیری، جهان از چهار عنصر متضاد شکل گرفته است. خاک نیز در اساطیر و هنرهای ایران باستان تجلی یافت و همواره حضورش در زندگی مشهود بوده است. هدف از این پژوهش شناخت بن مایه های عنصر خاک در اساطیر و هنر ایران باستان، ارتباط و استفاده فطری این عنصر در مردمان باستان بوده است. در این پژوهش ابتدا به بررسی عنصر خاک در اساطیر و هنر ایران باستان و تأثیر این عنصر در زندگی مردمان باستان پرداخته شده است. این پژوهش که به صورت توصیفی - تحلیلی است و گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه ای صورت پذیرفته و یافته ها بیانگر این است که عنصر خاک یکی از شرایط مهم پیدایش حیات و تمدن روی کره زمین بوده است و این عنصر تقریباً تمامی نیازهای انسان را در خود قرار داده، به همین دلیل این عنصر در اساطیر، هنر و باورهای عامیانه مردم باستان رخنه کرد و همواره شاهد حضور این عنصر مقدس و تأثیرش در آن روزگار دیده می شود.

واژه های کلیدی: عنصر خاک، قرآن، اساطیر، هنر، ایران باستان.

۵۳



باستان، ژوئن، سال نهم و بیستم، شماره ۱، ۷

مقدمه

خاک پس از آب مهم ترین عامل در تکوین حیات و ایجاد تمدن بشری به حساب می آید. خاک سرچشمه انواع برکات، منبع تمام مواد حیاتی و مهم ترین وسیله برای ادامه زندگی موجودات زنده است و حتی انسان و حیوان سرپناه خود را با همین خاک برپا می کنند. عنصر خاک محرم است و اسرار را در درون خویش حفظ می کند. در اساطیر خاک نمادی از باروری و نگهداری است. در اسطوره آفرینش کیهان، زمین نقش انفعالی دارد. حتی اگر آن نقش مقدم باشد، پیش از رمز پردازی اساطیر در باب زمین، حضور خاک که از لحاظ مذهبی ارزشمند است، چشمگیرتر است. در اساطیر آیین و مار نماد خاک هستند و آیین با انعکاس تصویر در آن نماد تقابل خاک و افلاک است، در واقع نشانه ای از حق و خلق هستند که در قلم آیینی برای یکدیگرند. مار از نمادهای مشترک دو عنصر مقدس آب و خاک هستند. نماد اصلی زمین و عنصر مقدس و پاک، خاک است. انسان با توجه به استفاده مورد نظر آن می تواند مایحتاج خود را تامین کند. خاک طبیعت سرد و خشک دارد و از دو بخش زنده و مرده تشکیل شده است. خداوند خاک را به عنوان پالاینده طبیعت، تامین کننده غذا، تصفیه کننده و پاک کننده به وجود آورد.

خاک یک پدیده طبیعی است که عموماً در همه جا و در همه شرایط آب و هوایی وجود دارد. انسان در برابر خاک مسئول است و از این نعمت الهی باید به خوبی محافظت کند و از آلوده کردن و استفاده نادرست بپرهیزد. در باورها

آتش طبیعتی گرم و خشک، هوا را گرم و مرطوب، آب را سرد و مرطوب و خاک را خشک و مرطوب می دانستند. این عنصر و بررسی این پدیده طبیعی که در زندگی هر موجود زنده ای نقش بسیار مهمی را ایفا می کند، لازم و ضروری است.

پیشینه پژوهش

این عنصر حیاتی در آثار ادبی و هنری و علمی ما به صورت پویا و زنده وجود دارد و خالی از لطف نیست که ریشه های نمادین این نقش مایه ها به صورت مفصل تر بررسی شود. خاک یکی از نعمات خداوند است و انسان با استفاده از آن مایحتاج زندگی خود را تامین می کند. دوستخواه در کتاب اوستا اشاره به تکامل دانش اوستا شناسی بر بنیاد پژوهش هایی که در خود اوستا یا در ادبیات پارسی میانه، در چند دهه اخیر در جهان و ایران صورت پذیرفته در نظر داشته و تا آنجا که امکان یافته و توانسته برداشت های نو را که برخی از آنها به طور نسبی و بعضی دیگر به تحقیق به دریافت ها و برداشت های پیشین ترجیح دارد در کار آورده است. سنگ بنای کتاب «فرهنگ اساطیر ایران» از «قلی زاده» براساس متون پهلوی مربوط به ادبیات دوره ساسانی و اندکی پس از آن گذارده شده و این کتاب در برگزیده نامها و اصطلاحات اساطیری همراه با شرح و توضیح و آوانگاری است. در این کتاب به اساطیر خاک و هر پدیده ای که اشاره به عنصر خاک شود، پرداخته شده است. بربریان در کتاب «جستاری در پیشینه دانش کیهان شناسی و زمین» در ایران ویج موضوع کیهان شناسی زرتشتی را مورد



بررسی قرار داده و عنصر خاک را نیز مورد مطالعه قرار داده است. «فره‌وشی» در کتاب «ایران‌ویج» به سرزمین ایرانیان توجه کرده و به نام اسطوره‌های سرزمینی که ایرانیان در آغاز در آن می‌زیستند، اشاره کرده است. در آن کتاب به چهار عنصر اصلی در طبیعت اشاره شده که خاک نیز یکی از آنها است. خلف تبریزی در کتاب برهان قاطع که یک واژه نامه زبان فارسی است و تمامی عناصر را مورد بررسی قرار داده و سعی او بر آن بوده تا فرهنگش نسبت به فرهنگ های پیشین جامع‌تر باشد. وهاب ولی و میترا بصیری در کتاب ادیان جهان باستان به دین و آیین‌های ایران باستان پرداخته‌اند و توجه به نشانه‌های دین‌های ایران باستان داشته‌اند. قرآشپانی در کتاب «شناخت مواد ومصالح» به بررسی مواد ومصالح پرداخته که یکی از این مواد عنصر خاک است که در زندگی انسان از ادوار گذشته تا به امروز وجود داشته بسیار مهم و مورد استفاده بوده است.

اساطیر خاک

خاک علاوه بر اینکه ماده اولیه آفرینش مادی است، نمادی از مرگ و فروپاشی سویه جسمانی حیات نیز هست که در آیین تدفین و به خاک سپاری مردگان متجلی می‌شود. خاک علاوه بر محل دفن و نابودی به علت توان رویاندن نباتات، محلی برای حیات و زندگی پس از مرگ بوده و اهمیت آیین به خاک سپردن مردگان در کهن ترین جوامع که صاحب کشاورزی شدند، دلیلی بر همین ارتباط بوده است. انسان اولیه که روییدن بذرها را از دل خاک تیره نظاره می‌کرد، اجساد مردگان را به خاک می‌سپرد تا رویش و ولادت دوباره آنها را، با این آیین آرزو کند، به همین دلیل با مردگان اشیای زینتی، لوازم و جواهرات دفن می‌کردند و در برخی جوامع بین‌النهرین و فلات ایران، مردگان خود را در کف اتاق نزدیک اجاق خانه که گرم‌ترین جای خانه بود به خاک می‌سپردند. (فره‌وشی، ۱۳۷۹: ۲۳)

ایزدان خاک

خاک نمادی از باروری و نگهداری است. در اسطوره آفرینش کیهان، زمین نقش انفعالی دارد. حتی اگر آن نقش مقدم باشد، پیش از رمزپردازی اساطیر در باب زمین، حضور خاک که از لحاظ مذهبی ارزشمند است، چشمگیرتر است. نماد اصلی زمین و عنصر مقدس و پاک خاک است. ما را از جهان آغازین سر بر می‌آورد و به همین جهت صورت اساطیری یافته و موجب تجدید حیات عالم بشمار رفته است. (قوی پنجه، زهرا، ۱۳۸۸: ۱۶۷)

ایزدان خاک شامل: ایزد سپندارمذ (اسپندارمذ)، ایزد زامیاد (زامیذت)، ایزد پرتھوی است. در ایران باستان برخی از این ایزدان با ایزدان عناصر دیگر مشترک است. این ایزدان شامل: ایزدان میتره - ورونه، ایزد آگنی (ایزد آب، خاک و آتش) و ایزد آبان (ایزد آب و خاک) است. (همان منبع: ۱۷۴)

۱. ایزد زامیاد

به معنای «ایزد زمین» نام ایزدی است که غالباً از او با صفت نیک کنش یاد می‌شود. بیست و هشتمین روز ماه نیز به نام این ایزد خوانده می‌شود و گل زعفران ویژه اوست. به نوشته بندهشن ایزد زامیاد از همکاران و یاران امشاسپند امرداد است. (دوستخواه، ۱۳۸۹: ۹۹۴) گل بانو اسپرغم به این مینو تعلق دارد. یشت نوزدهم به این ایزد اختصاص دارد. (قلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۳۴)

۲. ایزد زروان

در پهلوی «زوروان» و در فارسی «زروان» به معنی زمان و زمانه نام ایزدی است که از او با صفت‌های بی‌کرانه و رنگ خدا یاد شده و مانند دیگر مینیویان و آفریدگان اهوره مزدا در خورشائیش و شایسته نیایش است. در روزگار ساسانیان، فرقه‌ای در دین زرتشتی وجود داشت که از آن به نام (زروانیه) یاد شده است. درباره باورهای این فرقه نوشته‌اند که اینان اهورمزدا و اهریمن را از آفریدگان «زروان» می‌دانستند. (دوستخواه، ۱۳۸۹: ۹۹۵)

زروان خدای زمان است که در اوستا اهمیت چندانی ندارد؛ اما از نوشته‌های روزگار ساسانیان بر می‌آید که در آن دوران، سخت مورد توجه و ستایش مردم بوده است. سرشت او جاودانگی و بی‌کرانگی است و همه آفرینش در اوستا. سرچشمه هستی و بن مایه ماده، زمان، سامان کیهانی و در یک سخن، هستی کل است، خود منشأیی ندارد و منشأ همه چیز است. سال کیهانی زروانی که ۳۰ هزار سال درازا دارد، در برابر سال کیهانی مزدایی قرار می‌گیرد که دوازده هزار سال است و به چهار دوره سه هزار ساله بخش می‌شود. (همان منبع: ۹۹۷) نمونه‌های اولیه از تمثال نمادین زروان را در اشیای تزئینی و آیینی لرستان می‌توان دید. (تصویر ۱ و ۲) (پاکباز، ۱۳۸۹: ۹۸۴)



تصویر ۱: ایزد زروان، لرستان، میله با صفحه مدور قرن ۸ تا ۷ ق.م. (گریشمن، ۱۳۷۱: ۵۱)

ایزدان دوگانه خاک

۱. ایزد آبان (آناهیتا)

آبان نام مینوی همه آبها و صفت ایزدبانو «اردویسور آناهیتا» است. در پارهای از نوشته‌های پهلوی «اُزریزد» خوانده شده و با «اپام نیات» یکی شمرده شده است. دهمین روز ماه و هشتمین ماه سال بدین نام خوانده می‌شود. (دوستخواه، ۱۳۸۹: ۸۹۳)

آبان در اوستا به معنی فرزند آب‌هاست. او نیرومند و بلند قامت است و اسب تندرو دارد و مانند هرمزد و مهر، لقب اهوره (سرور) دارد. آمشاسپند خرداد نیز با آب ارتباط دارد. خرداد سرور سال‌ها، ماه‌ها و رودهاست. گل نیلوفر متعلق به آمشاسپند آبان است. (قلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۶)

در ایران باستان، الهه بزرگ آب‌ها، مظهر باروری و آبادانی، پیروزی بخشنده در نبردها، دوشیزه‌ای زیبا، بلند بالا، ستبر بازو، کمر باریک با سینه‌های برجسته که برگردونه‌ای با چهار اسب یکرنگ و یک اندازه می‌رانند. در دوران هخامنشی معابدی را به نام آناهیتا ساخته‌اند. گهگاه، در نقش برجسته‌های ساسانی نیز او را مجسم کرده‌اند. (تصویر ۳) (پاکباز، ۱۳۸۹: ۹۷۱)

ایزد آبان، ایزد مظهر کننده زمین و پاک کننده خاک است و او تخمه آب‌هاست، آبان حامی ایزد زمین و همکار سپندارمذ (ایزد خاک) معرفی شده است.



تصویر ۳: پشت یک سکه از بهرام دوم، موزه ارمیتاژ، لنینگراد (پراگادا، ۱۳۸۳: ۲۸۸)

۲. ایزد آگنی

آگنی بزرگ‌ترین خدای ودایی بود که به وسیله شعله مقدس و زندگی بخش خود، بشر را به سوی تعالی سوق داد. آتش توسط رعد و برق از آسمان به زمین رسید و برای بشر کامیابی بسیار به همراه آورده است. (ولی، بصیری، ۱۳۷۹: ۷۵)

آگنی از مهم‌ترین ایزدان در ودا است. آگنی برترین رب النوع ودایی است، او فرزند دیوس و پرتوهی است. او مظهر الهی آتش است. او با همه عظمتش شخصیتی مردم‌وار ندارد. او ایزدی جوان و در عین حال پیر است، او نره گاوی است که در دامان آب‌ها پرورش یافته است. او با آذرخش نیز پیوند دارد و گاه خود آذرخش است. (قوی پنجه، ۱۳۸۸: ۱۷۳)

۳. میتره - ورونه

این دو ایزد، جوان اند که چشمشان خورشید است یا پرتو خورشید گردونه خود را در اوج آسمان‌ها می‌رانند. ورونه ایزدی است که بر اورنگ کیهانی خود، زمین را می‌سجد و به خورشید نور می‌بخشد و اوست که به گونه‌ای زیبا و سرخ بر زمین نیرو می‌افکند، او نیروی ماورای طبیعی است.



تصویر ۲: لرستان، لوحه نقره، خدایان زروان و اهورا مزدا و اهریمن، قرن ۸ تا ۷ ق م، موزه سین سیناتی. (گریشمن، ۱۳۷۱: ۵۲)

۳. ایزد پرتوهی

الهه زمین، به معنای پهناور یاد می‌شود. او بلندی‌های فراوان دارد و همه کوه‌ها را بر خویشتن بردبارانه تحمل می‌کند و درختان بیشه‌ها را در خاک‌های خود نگه می‌دارد. او عظیم، محکم و درخشان است. از او چون مادری مهربان یاد شده که پذیرای فرزندان خویش است هنگامی که جان می‌سپارند. در اساطیر ایرانی آمشاسپند سپندارمذ گویای همین شخصیت مادرانه و بردبارانه الهه زمین است که همسر اورمزد شمرده می‌شود. (قلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۵۰)

۴. ایزد سپندارمذ

سپندارمذ نام یکی از الهه‌ها یا امشاسپندان آیین مزدیسنا است. نام دوازدهمین ماه سال است. در این ماه از شدت سرما کاسته می‌شود. در سی‌ام این ماه نخستین الهامات دینی برای زردشت رخ داد. در غروب بیست و ششمین روز این ماه در رستاخیز، سوشیانس مردگان را زنده خواهد کرد. در این ماه برای بستن زهر خرقس‌تران، نیرنگ می‌خوانند. (قلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۶۱)

این نام در اوستا به صورت سپنت آرمئی تی به معنی اندیشه یا فداکاری یا بردباری یا سازگاری و فروتنی و در پهلوی به صورت سپندارمذ به معنای سود آور به کار رفته است. این ایزد بانو، ایزد بانوی خاک و زمین است. سپندارمذ نام یکی از امشاسپندان است که در گروه سه گانه امشاسپند بانوان؛ سپندارمذ، خرداد و امرداد جای دارد و از نمادهای مادر - خدایی اهوره مزدا به شمار می‌آید. این امشاسپند بانو درجهان مینوی نماد دوستداری و بردباری و فروتنی اهوره مزدا است. او دختر اهوره مزداست و یاری‌دهنده رمه‌ها و سبزکننده چراگاه‌ها و دختر ایزد آسمان است. ایزد بانوان آبان (اردویسور آناهیتا)، دین و آشی از یاران و همکاران اویند. پنجمین روز ماه و دوازدهمین ماه سال به نام این امشاسپند بانو است که در فارسی اسفند گفته می‌شود. گل بیدمشک را نیز ویژه او دانسته‌اند. (دوستخواه، ۱۳۸۹: ۱۰۵۲) روز پنجم هر ماه که اسپندارمذ و نام فرشته موکل بر خاک نام دارد، روزی نحس و سنگین است. قابیل پسر آدم، که بدکار و جنایت کار بود، در این روز زاده شد. زردشتیان اعتقاد دارند که در این روز دست به هیچ کاری نزنند در خانه بنشینند. (همان منبع، ۱۰۵۳)





این دو زوج ایزدی هستند که آسمان و زمین را نگه می‌دارد. (همان منبع: ۱۷۲)

میترا خدایی بود شکست ناپذیر. معتقدان به دین مهر، بعد از این که به اسرار دین وقوف می‌یافتند، عملاً وارد سپاهیان میترا می‌شدند و به درجه و منصب سر باز می‌رسیدند. سرباز معرف عنصر خاک بود. (تصویر ۴: ولی، بصیری، ۱۳۷۹: ۱۰۲)



تصویر ۴: نقاشی دیواری دوراروپوس (میترا در حال شکار است) (پرادا، ۱۳۸۳: ۲۷۲)

جشن مرتبط با عنصر خاک

از جشن‌های مرتبط با خاک، جشن سپندارمذ (مزدگیران یا مردگیران) است. (تبریزی، ج ۴، ۱۳۹۱: ۱۹۸۴)

۱. جشن سپندارمذگان (مزدگیران)

نام جشنی است که در سپندارمذ روز (روز پنجم) ماه سپندارمذ (اسفند) برگزار می‌شد. گفته می‌شود این جشن ویژه زنان بوده و به مناسبت تجلیل و بزرگداشت آنان برپا می‌شد و در آن، از شوهران خویش هدیه دریافت می‌کرده‌اند و از این رو آن را جشن مزدگیران نیز می‌خوانده‌اند. (دوستخواه، ۱۳۸۹: ۱۰۵۳)

سپندارمذ در شکل معنوی و مینوی اش مظهر بردباری و سازگاری اهورامزدا است و در جهان مادی و خاکی، نگاهی زمین به وی سپرده شده است. سپندارمذ حامی زن‌های درستکار و عفیف، شوهر دوست و خیرخواه است. برابر با روش و قاعده کلی، روز پنجم اسفند به مناسب تقارن نام روز و ماه جشن بوده است. این جشن همراه با آداب و رسوم و تشریفات ویژه برگزار می‌شد. نخستین جشنی که در این روز برگزار می‌شد، جشن مزدگیران یا مردگیران بوده است. این جشن را خلف تبریزی، پنج روز آخر اسفند یاد کرده، اما در سایر منابع روز پنجم یاد شده است. (تبریزی، ج ۴، ۱۳۹۱: ۱۹۸۴)

گیاهان مرتبط با عنصر خاک

۱. بانو سپترغم

متعلق به سپندارمذ الهه زمین است و بانو خود به او اشاره دارد. احتمالاً باید گلی متعلق به سپندارمذ، ماه آخر زمستان باشد. در جایی، این گل را متعلق به زامیاد

دانسته‌اند. (قلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۳۳)

۲. پلنگ مشک

پلنگ مشک گل مخصوص سپندارمذ است و بوی آن چون بوی نیکی است. (همان منبع: ۱۵۴)

۳. ریواس

پس از این که گیومرث در می‌گذرد، از نطفه او که بر زمین ریخته می‌شود، پس از چهل سال با کمک ایزد تریوشنگ و سپندارمذ، شاخه‌ای ریواس می‌روید که دارای دو ساق است و پانزده برگ. این پانزده برگ مطابق با سال‌هایی است که مشی و مشیانه (نخستین زوج آدمی) در آن هنگام دارند و این دو همسانند. (همان منبع: ۲۳۱) در اسطوره‌های ایرانی دو ساقه ریواس به هم پیچیده منتهی به مشی و مشیانه، این جفت انسانی شده است. (افضل طوسی، ۱۳۹۳: ۲۴۵)

تنشان در کمرگاه چنان به هم پیونده خورده که تشخیص این که کدام نر است و کدام ماده امکان پذیر نیست. به روایتی پس از نه ماه، این دو گیاه به صورت انسان درمی‌آیند. از این دو آفریده گیاهی، نسل بشر در جهان به وجود می‌آید. ارتباط انسان با گیاه ریواس باید ریشه‌های کهن داشته باشد و احتمالاً به عنوان توت، در نزد بعضی قبایل ایرانی شناخته می‌شده است. سپس در آسیای میانه، این توت در نزد ایرانیان عمومیت یافته و بعدها اعتقادی کلی شده است. (قلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۳۱)

حیوان مرتبط با عنصر خاک

۱. مار

در اساطیر، مار نماد خاک است. مار از نمادهای مشترک دو عنصر مقدس آب و خاک هستند. نماد اصلی زمین و عنصر مقدس و پاک خاک است، مار از جهان آغازین سر برمی‌آورد و به همین جهت صورت اساطیری یافته و موجب تجدید حیات عالم آن به شمار رفته است. (قوی پنجه، زهرا، ۱۳۸۸: ص ۱۶۷)

مار در آیین میترا علامت زمین است، از عناصر نیکی و نماینده انواع حیوانات است که از نطفه حیوان قربانی شده به وجود آمده است. (تصویر ۵) (ولی، بصیری، ۱۳۷۹: ۹۶)



تصویر ۵: نمایش اساطیری روی یک مهر (در تصویر دو مار از شانه یک زن نشسته دیده می‌شود که گویا الهه است)، شوش، جنس صدف، قرن ۲۴ تا ۲۲ ق.م. (پرادا، ۱۳۸۳: ۳۸)

نقوش هندسی مرتبط با عنصر خاک

۱. مربع

مربع نشان‌دهنده تغییرناپذیری کائنات، ماده پایبند زمین و واقعیت است. در بیشتر آثار هنری معاصر، ارتباط بین مربع و دایره اتفاقی یا مفقود است. جدایی آنها یک نمایش نمادین دیگر از حالت روحی انسان قرن بیستم است؛ روح انسان ارتباطات واقعی و ریشه‌های خود را گم کرده و در معرض پربیشانی و گسستگی قرار گرفته است. مربع نمادی از زمین در برابر آسمان است که نماد آن دایره است. مربع همچنین نمادی از کل دنیا است. مربع عدد چهار را تداعی می‌کند که رقم معرف کمال الهی است. مربع از لحاظ تجسمی نشان‌دهنده استقرار، استحکام، سکون و ثبات است. (تصویر ۶) (افروغ، ۱۳۹۳: ۲۳)



تصویر ۶: سیلک، ظروف منقوش (۹-۱۰ ق م)، موزه تهران (گریشمن، ۱۳۷۱: ۲۹۱)

مربع نماد مکان نیز هست، همان‌گونه که دایره و مارپیچ نماد زمان هستند، مربع معرف عوامل چهارگانه زیر است:

- ۱- چهار جهت اصلی: شمال، جنوب، مغرب، مشرق.
- ۲- چهار عنصر: آب، خاک، باد، آتش.
- ۳- چهار مرحله از زندگی انسان: کودکی، جوانی، میانسالی، پیری.

۴- چهار مرحله از تکامل بشری: دوران جنینی، دوران زندگی، مرگ، رستاخیز (معاد).

۵- چهار فصل: بهار، تابستان، پاییز، زمستان.

۶- چهار امتداد در هنرهای تصویری: عمودی، افقی، مایل، دوار.

۷- چهار طبع: سردی، گرمی، خشکی، رطوبت.

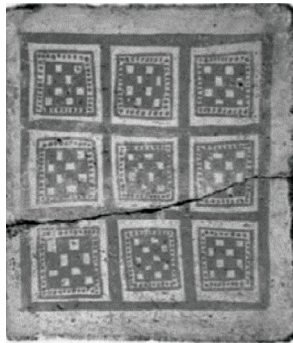
مربع نمادی است که از عالم صغیر؛ در حالی که دایره مبین عالم کبیر است. در اساطیر ایرانی، مربع و مکعب نماد اهورامزدا است. از مربع به صورت شبکه‌ای شطرنجی و خانه‌خانه نیز به فراوانی در تصویرهای اقوام مختلف استناد شده که گاهی جنبه‌های جادویی یا حالت‌هایی از ریاضیات دارد. (تصویر ۷) (همان منبع: ۲۴)

۲. مثلث

مثلث متساوی الاضلاع نماد هماهنگی و تناسب است و گاهی مفهوم زمین (خاک) را می‌رساند. اگر راس مثلث متساوی‌الاضلاع به طرف بالا باشد، نمادی از آتش و جنس مذکر است و اگر راس مثلث به طرف پایین باشد، نماد

آب و جنس مونث است. مثلث مفهوم باروری و زهدان را می‌رساند و نمادی برای این مفاهیم است. (همان منبع: ۲۵)

مثلث‌های به هم پیوسته نشان کوه است مانند جام شوش که با مثلث‌های به هم پیوسته که در بین هر کدام ن‌هایی روییده و اشاره بر تاثیر آب در رویاندن است. (تصویر ۸) (هال، ۱۳۸۷: ۲۱۸)



تصویر ۷: آجر نقاشی شده منطقه باباجانی، لرستان، هنر ماد، هزاره اول ق م. (تسلیمی، نیکویی، منوچهری، ۱۳۹۴: ۳۱)



تصویر ۸: جام سفالین، شوش، خوزستان، حدود ۴۰۰۰ سال ق م. (تسلیمی، نیکویی، منوچهری، ۱۳۹۴: ۱۲)

۳. نقش مایه سه‌گوش‌های پیوسته

یکی از متداول‌ترین نقش مایه‌های ایرانی، سه‌گوش‌های به هم پیوسته‌ای است که مانند سلسله‌ای ناگسستگی، اغلب در حاشیه‌های فرش و بیش از همه در گبه‌ها و سفال‌ها به صورت زنجیره سه‌گوش‌های به هم پیوسته را بر خود دارد. از عصر هخامنشی نمونه‌های زیادی از همین سبک نگارگری سه‌گوش‌های پیوسته در دیگر آثار هنری برجای مانده است؛ از آجرهای لعاب‌دار کاخ‌های شوش تا ظروف سفالین. این سلسله زنجیره‌ای سه‌گوش‌ها به چهار شکل دیده می‌شوند:

۱. سه گوش ساده

۲. سه گوش کنگره‌ای

۳. سه گوش شطرنجی

۴. سه گوش کنگره شطرنجی

سه گوش کنگره شطرنجی که یکی از جالب‌ترین نگارگری‌های این سبک در تکه پارچه‌ای پارتی است که از گورهای خمره‌ای گرمی مغان به دست آمده است. استمرار





شش هزار ساله سه گوش‌های به هم پیوسته به شیوه‌ها و سبک‌های گوناگون، نمی‌تواند تنها جلوه‌ای از نقش‌پردازی سنتی باشد و هیچ‌گونه مفهوم رمزی و نمادی نداشته باشد. در آیین زرتشت، کوه ستوده و مقدس است. (تصویر ۹) (افروغ، ۱۳۹۳: ۱۳۹)



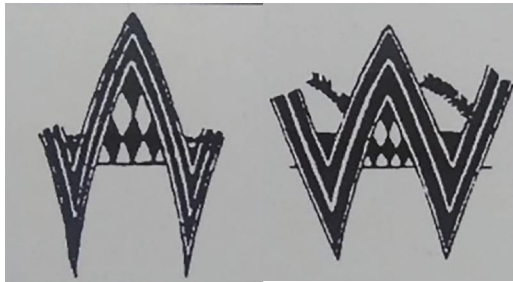
تصویر ۹: تصویر روی پارچه کشف شده از پازیریک با نقش سه گوش‌های به هم پیوسته (افروغ، ۱۳۸۹: ۱۳۹)

در اوستا از کوه و فر (به معنی شکوه و شوکت)، بارها با هم یاد شده است. کوه با صفت‌هایی چون «آسایش بخش» و «خوشی‌دهنده» تکریم شده است. در تکوین هستی، کوه مقام سوم را داراست. بدین معنی که در آغاز، آسمان آفریده می‌شود و پس از آن زمین و آنگاه کوه که تکیه گاه زمین خوانده شده است. اما نگارگری شطرنجی از آغاز تجرید هنری تلالو آب بوده؛ بدین دلیل ساده که در روشنایی آفتاب، آب‌های روان را به صورت سایه روشن می‌بینیم که نقش شطرنجی، تجریدی‌ترین و انتزاعی‌ترین شیوه تجسم آن است. بنابراین کوهی که شطرنجی باشد از آب لبریز است و این نعمتی است که در سرزمین‌های خشک و کم‌آب جنوب ایران، بزرگ‌ترین نعمت خداست.

سه‌گوش‌ها و لوزی‌های یک در میان سفید و سیاه، نشانه تلالو و از نمادهای آب است. براساس این برداشت، سه‌گوش‌های خالی و زنجیره سه‌گوش‌های شطرنجی نماد کوه یا کوهسار شطرنجی نشانه تاکید مضاف است بر اینکه کوه‌ها نگاهدار آب باران‌اند. (تصویر ۱۱-۱۰) (همان منبع: ۱۴۱)



تصویر ۱۰: جام سفالین منقوش شوش، نیمه دوم هزاره چهارم ق م (پوپ، ۱۳۸۷: ۱)



تصویر ۱۱: جزیی از تصویر سفالینه‌های شوش، هزاره چهارم قبل میلاد (مثلث و سه‌گوش‌های شطرنجی نماد کوه است) (افروغ، ۱۳۸۹: ۱۴۰)

نمادهای اساطیری خاک در هنر ایران باستان

۱. آئینه

آئینه با انعکاس تصویر در آن نماد تقابل خاک و افلاک است، در واقع نشانه‌ای از حق و خلق هستند، که در حکم آئینه‌اند برای یکدیگر. (قوی پنجه، ۱۳۸۸: ۱۶۷)

۲. کوه

خاک با کوه که به صورت بخشی از زمین که برآمده، منبع خاک است و می‌تواند یکی از چهار عنصر اصلی به شمار آید. به صورتی که کوه را در قدیمی‌ترین افسانه‌ها مخلوق نخستین دانسته‌اند. برای نمایش کوه از شکل مثلث‌های به هم پیوسته استفاده شده است. مانند جام شوش که با مثلث‌های به هم پیوسته که در بین هر کدام نی‌هایی روییده و اشاره بر تاثیر آب در رویاندن است. کوه جایگاه خدایان و پیوند آسمان و زمین به شمار می‌آید. بنابراین بعضی از کیهان‌شناسان کوه مقدس نیز مرکز و محور سراسر کیهان بود و ستیغ‌های دوگانه، گاهی جایگاه خورشید و ماه بود و سرچشمه نخستین آب‌ها و در نتیجه حاصلخیزی به شمار می‌رفته است. از جمله نمادهای کوه، مثلث و خطوط زیگزاگ است. (تصویر ۱۲) (هال، ۱۳۸۷: ۲۱۸)



تصویر ۱۲: نقش سفالینه‌های تل باکون، فارس، (نگاره‌های کنگره‌ای نماد کوه و خطوط هفت و هشتی نماد آب است) (پرهام، ۱۳۷۱: ۳۴۵)

عنصر خاک در آیین‌های ایران

در اسناد و مدارک زروانی آتش و باد به عنوان عناصر نرینه و آب و خاک (زمین) به عنوان عنصر نرینه نام برده شده است. (زینر، ۱۳۷۵: ۱۲۲)

در آیین مانوی بخشی از اصول اعتقادی بر پایه ایمان به این عناصر بنا شده است. در آیین مهر، متشرفان از باب‌های

هفتگانه سیارات به طریقی نمادین عبور می‌کردند، باید از چهار عنصر نیز گذر می‌کردند و در نقش برجسته‌ای که ولادت میترا را به گونه‌ای نمادین نمایش می‌دهد، کوزه نماد آب، مار نماد زمین، شیر نماد آتش و پرنده نماد هوا قلمداد شده است. (ورمارزن، ۱۳۷۲: ۱۹۴)

در آموزه‌های زرتشتی نیز، بن‌مایه آفرینش انسان از خاک ساخته شده و در روایت پهلوی گفته شده: مردم از آن گل‌اند که کیومرث را از آن ساخت. (هوک، ۱۳۶۷: ۵۵) زرتشتیان برای عناصر چهارگانه احترام قائل بودند و اجساد مردگان را ناپاک می‌انگاشتند و دفن نمی‌کردند، بلکه در دخمه‌ها و یا بلندی کوه‌ها قرار می‌دادند. (زادسپرم، ۱۳۶۶: ۳۸) در آیین مزدک اعتقاد به طبایع چهارگانه بوده است که باد را قابل تصرف نمی‌دانستند و گاهی آنها را به سه اصل خاک، آب، آتش کاهش می‌دادند. (خدادادیان، ۱۲۵)

نتیجه‌گیری

خاک پس از آب مهم‌ترین عامل در تکوین حیات و ایجاد تمدن بشری به حساب می‌آید. خاک سرچشمه انواع برکات، منبع تمام مواد حیاتی و مهم‌ترین وسیله برای ادامه زندگی موجودات زنده بوده است و حتی انسان و حیوان سرپناه خود را با همین خاک برپا کرد. در اساطیر خاک نمادی از باروری و نگهداری است و برای همین در طول تاریخ زمین به صورت الهه مادر و به صورت مؤنث مجسم می‌شود. در اسطوره آفرینش کیهان، زمین نقش انفعالی دارد. حتی اگر آن نقش مقدم باشد، پیش از رمزپردازی اساطیر در باب زمین، حضور خاک که از لحاظ مذهبی ارزشمند و چشمگیرتر بوده است. عنصر خاک محرم است و اسرار را در درون خویش حفظ می‌کند.

خاک علاوه بر اینکه ماده اولیه آفرینش مادی است، نمادی از مرگ و فروپاشی سوپه جسمانی حیات نیز هست که در آیین تدفین و به خاک سپاری مردگان متجلی می‌شود. خاک علاوه بر محل دفن و نابودی به علت توان رویاندن نباتات، محلی برای حیات و زندگی پس از مرگ بوده است و اهمیت آیین به خاک سپردن مردگان در کهن‌ترین جوامع که صاحب کشاورزی شدند، دلیلی بر همین ارتباط بوده است. انسان اولیه که روییدن بذرها را از دل خاک تیره نظاره می‌کرد، اجساد مردگان را به خاک می‌سپرد تا رویش و ولادت دوباره آنها را، با این آیین آرزو کنند، به همین دلیل با مردگان اشیای زینتی، لوازم و جواهرات دفن می‌کردند و در برخی جوامع بین‌النهرین و فلات ایران، مردگان خود را در کف اتاق نزدیک اجاق خانه که گرم‌ترین جای خانه بود به خاک می‌سپردند.

در وهله اول به رمزگشایی خاک و بعد به اصل و ریشه و حادثه اولیه‌ای که بر اثر آن به وجود آمده‌اند، پی بردیم، و در نهایت اسطوره و نماد خاک پرداخته شد، پس دیگر ناشناخته و غیر واقعی نبود، بلکه وجود داشتند و از جنس دنیای واقعی آدمیان بوده‌اند. در مباحث و بخش‌های این جستار مکتوب، به نمادپردازی تصویری خاک در هنر مردمان ایران باستان پرداخته شد. نماد و اساطیر عنصر خاک، همیشه به صورت یک روایت نیست بلکه می‌تواند، به گونه نقش و تصویر در آثار هنری نیز دیده شوند. بنابراین، برای درک بهتر عنصر خاک باید آنها را در قالب الفاظ و کلام تعریف کرد و در چارچوب آثار هنری به نظاره نشست.



جدول ۱: نمادهای عنصر خاک در هنر ایران باستان

تصاویر	شناسنامه اثر	نماد
	نام: میله با صفحه مدور قرن ۸ تا ۷ ق م. محل: لرستان (ایزد زروان).	زروان: خدای زمان، خاک.
	نام: لوحه نقره (خدایان زروان و اهورا مزدا و اهریمن) قرن ۸ تا ۷ ق م. به دست آمده از لرستان. محل: موزه سین سیناتی.	زروان: خدای زمان، خاک. اهورامزدا: خدای روشنی. اهریمن: خدای تاریکی.

نماد	شناسنامه اثر	تصاویر
<p>آبان (آناهیتا): ایزد مطهرکننده زمین و پاک کننده خاک.</p>	<p>نام: پشت یک سکه از بهرام دوم. محل: موزه ارمیتاژ، لنینگراد.</p>	
<p>میترا: همراه با ورونه نگهدارنده آسمان و زمین هستند. میترا نماد خورشید است.</p>	<p>نام: نقاشی دیواری دوراروپوس (میترا در حال شکار است). محل: دوراروپوس.</p>	
<p>مار: مار نماد خاک است. مار از نمادهای مشترک دو عنصر مقدس آب و خاک هستند.</p>	<p>نام: نمایش اساطیری روی یک مهر (در تصویر دو مار از شانه یک زن نشسته دیده می شود که گویا الهه است). جنس صدف، قرن ۲۴ تا ۲۲ ق م. محل: شوش</p>	
<p>مربع: نمادی از زمین در برابر آسمان است.</p>	<p>نام: ظروف منقوش (۱۰-۹) قم، به دست آمده از سیلک. محل: موزه تهران</p>	
<p>در اساطیر ایرانی، مربع و مکعب نماد اهورامزدا است.</p>	<p>نام: آجر نقاشی شده منطقه باباجانی، لرستان، هنر ماد، هزاره اول ق م.</p>	
<p>مثلث: نماد زمین (خاک) است.</p>	<p>نام: جام سفالین، شوش، خوزستان، حدود ۶۰۰۰ سال ق م.</p>	



<p>سه گوش‌های خالی و زنجیره سه گوش‌های شطرنجی نماد کوه یا کوهسار شطرنجی نشانه تاکید مضاف است بر اینکه کوه‌ها نگهدار آب باران‌اند.</p>	<p>نام: تصویر روی پارچه کشف شده از پازیریک با نقش سه گوش‌های به هم پیوسته.</p>	
<p>مثلث و سه گوش‌های شطرنجی نماد کوه است.</p>	<p>نام: جام سفالین منقوش شوش، نیمه دوم هزاره چهارم ق م.</p>	
<p>نگاره‌های کنگره‌ای نماد کوه و خطوط هفت و هشتمی نماد آب است.</p>	<p>نام: جزئی از تصویر سفالینه‌های شوش، هزاره چهارم قبل میلاد.</p>	
<p>نگاره‌های کنگره‌ای نماد کوه و خطوط هفت و هشتمی نماد آب است.</p>	<p>نام: نقش سفالینه‌های تل باکون، فارس.</p>	

منبع:

- تقی‌زاده قهی، عزت الله (۱۳۷۴)، «شناخت مواد ومصالح»، تهران، انتشارات شرکت چاپ و نشر ایران.
- بربریان، مانوئل (۱۳۷۶)، «جستاری در پیشینه دانش کیهان و زمین در ایران‌ویج»، نشر بلخ وابسته به بنیاد نیشابور.
- مک کال، هنریتا (۱۳۷۳)، «اسطوره‌های بین‌النهرینی»، ترجمه عباس مخبر، تهران، انتشارات مرکز.
- فره‌وشی، بهرام (۱۳۷۹)، «ایران‌ویج»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- قلی‌زاده، خسرو (۱۳۹۲)، «فرهنگ اساطیر ایرانی بر پایه متون پهلوی»، (چاپ سوم)، تهران، انتشارات کتاب پارسه.
- دوستخواه، جلیل (۱۳۸۹)، «اوستا کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی»، (چاپ پانزدهم)، جلد دوم، تهران، انتشارات مروارید.
- پاکباز، رویین (۱۳۸۹)، «دایره‌المعارف هنر»، (چاپ دهم)، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.
- ولی، وهاب، بصیری، میترا (۱۳۷۹)، «ادیان جهان باستان»، جلد سوم، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- افضل طوسی، عفت‌السادات (۱۳۹۳)، «طبیعت در هنر باستان»، تهران، انتشارات فرهنگسرای میردشتی.
- افروغ، محمد (۱۳۹۳)، «نماد و نشانه‌شناسی در فرش ایران»، تهران، انتشارات فرهنگسرای میردشتی.
- ورمارزن، مارتین یوزف (۱۳۷۲)، «آیین میترا»، مترجم بزرگ نادرزاده، تهران، انتشارات چشمه.
- زنییر، رابرت چارلز (۱۳۷۵)، «زروان یا معمای زرتشتی‌گری»، ترجمه تیمور قادری، تهران، انتشارات فرکرروز.
- زادسپرم (۱۳۶۶)، «گزیده‌های زادسپرم»، ترجمه محمد تقی راشد محصل، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

• خدادادیان، اردشیر، «اعتقادات آریایی‌های باستان در یک بررسی کوتاه تاریخی»، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

• هال، جیمز (۱۳۸۷)، «فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب»، ترجمه رقیه بهزادی، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.

• هوک، ساموئل هنری (۱۳۶۷)، «اساطیر خاورمیانه»، ترجمه علی اصغر بهرامی و فرنگیس مزداپور، تهران، انتشارات روشنگران.

• گریشمن، رمان (۱۳۷۱)، «هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی»، ترجمه عیسی بهنام، تهران، انتشارات علمی و

فرهنگی

• پرهام، سیروس (۱۳۷۱)، «دست‌بافته‌های عشایری و روستایی فارس»، جلد دوازده، تهران، انتشارات امیرکبیر.

• پرادا، ایدیت (۱۳۸۳)، «هنر ایران باستان»، ترجمه یوسف مجیدزاده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

• پیوپ، آرتور، آکرمن، فلیس (۱۳۸۷)، «سیری در هنر ایران»، جلد اول و هفتم، ترجمه سیروس پرهام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

• قوی پنجه، زهرا، بهار (۱۳۸۸)، «رمزگشایی نمادخاک در هنر سرزمین رازها»، فصل‌نامه هنر، شماره ۷۹، صفحه ۱۵۸.

